



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission

کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامیة فی ایران



دو نمونه روایتگری مقالات تخصصی خارجی در مورد تأثیرات بشردوستانه جنگ علیه ایران

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قرار دادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قرار دادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرساخت‌های مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. لفاظی‌های وحشیانه و غیر انسانی خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوق‌دانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دوپهلوی و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوق‌دانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً

بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره زیربط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد. گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

دو مقاله ای که در گزارش حاضر بازتاب یافته از جمله معدود نوشتارهایی است که در سطح محافل تخصصی فراملی در مورد ابعاد بشردوستانه جنایت تجاوز به ایران نشر یافته است. متأسفانه هر دو نمونه به نسبت ابعاد مختلف بشردوستانه ای که در اثر تحمیل جنگ و قبل آن سالها تحریم بر جامعه ایران تحمیل شده است، ضعیف یا نارسا هستند. در نوشتار اول، مطالبی منعکس شده که در ارزیابی خوشبینانه شاید اینگونه برداشت شود که در پی آن است تا هم به برخی ابعاد غیر انسانی ناشی از تجاوز به ایران اشاره کند و هم سودمیریت های داخلی و پیامدهای آن بر چالش های بشردوستانه را برجسته سازی نماید. ولی در ارزیابی بدبینانه شاید گفته شود که نویسنده یا سفارش دهنده عربی این نوشتار در آمریکا سعی داشته اند تا ضمن عنوان جذاب آثار بشردوستانه جنگ علیه ایران و بیان یکسری مطالب غیر قابل انکار که در رسانه ها بسیار بازتاب داشته، یکسری مطالب منفی مورد نظر متجاوزان علیه ایران را باز نشر دهند که تلاش دارد اصل مشکل را به متولیان جامعه ایران نسبت دهد تا بدین وسیله نقش ویرانگری که متجاوزان به ایران و زورگوییانی که سالها این کشور را تحت شدیدترین تحریم ها قرار داده اند، به حاشیه رانده شود. از همین رو، در این نوشتار بعضاً داده هایی نیز مورد استناد قرار گرفته که از حیث اعتبار سنجی و صحت، پشتوانه ای ندارد. به هر حال، هر مخاطبی آزاد است خود ارزیابی و داوری کند که تا چه اندازه آثار بشردوستانه جنگ علیه ایران تبیین شده است. و اما مقاله دوم، ضمن اذعان به اینکه در تجاوز به ایران حتی مراکز درمانی نیز مورد حمله متجاوزان قرار گرفته و برجسته سازی برخی از پیامدهای تجاوز به ایران بر حوزه سلامت و درمان، از همه طرف ها خواسته است که حقوق بین الملل بشردوستانه را رعایت کنند.

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده یا نویسندگان، دیدگاههای شخصی خود آنهاست و ترجمه و انتشار دیدگاهها به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان و سیاستگذاران و مجریان کشور با اشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحرک عالمانه تری از خود نشان دهند. با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت [] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. ضمناً ارجاعات نویسندگان نیز عیناً در زیر نویس حفظ گردید. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاههای حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، در درجه اول خودباوری و حقانیت جامعه ایران در مقام قربانی تجاوز را تقویت کند و از یاد نبریم که جنایتکاران فاقد شرف و وجدان انسانی به حریم کشور ما تعرض کرده و خانه و کاشانه ما را مورد صدمات زیادی قرار داده و عزیزان متعددی را از ما گرفته اند یا دچار مصدومیت ساخته اند، ثانیاً موجبات گسترش حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۵

♦ نویسنده نوشتار اول: خانم دکتر یارا م. عاصی، استادیار دانشکده مدیریت و انفورماتیک بهداشت جهانی در دانشگاه فلوریدای مرکزی، پژوهشگر منازعات، حقوق بشر، عدالت در سلامت و سیاست های بشردوستانه و فعال در برخی برنامه های سلامت مربوط به خاورمیانه

♦ نویسندگان نوشتار دوم: کارل بلانشت (عضو مرکز مطالعات بشردوستانه ژنو، دانشکده پزشکی، دانشگاه ژنو، سوئیس)، سلطان برکات (عضو دانشکده سیاست عمومی، حمد بن خلیفه، دوحه، قطر)، برنات کوما (از موسسه بهداشت عمومی نروژ، اسلو، نروژ) و پل اشیگل (از مرکز بهداشت بشردوستانه جانز هاپکینز و دانشکده بهداشت عمومی بلومبرگ جانز هاپکینز، بالتیمور، مریلند، ایالات متحده آمریکا)

♦ برگردان انگلیسی به فارسی متون: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۵

♦ مآخذ دو نوشتار به ترتیب درج در این گزارش: بخش انگلیسی سامانه مرکز عربی واشنگتن دی سی (arabcenterdc.org)، ۳ ژوئن ۲۰۲۶ / مجله علمی لَنسِت - سلامت منطقه ای اروپا (متمرکز بر مسائل سلامت و امور پزشکی)، شماره آوریل ۲۰۲۶، نشر آنلاین مقاله در ۱۸ مارس ۲۰۲۶ (vol.63 www.thelancet.com)

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۱۶

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المقتعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

(مقاله اول)

تأثیرات بشردوستانه جنگ علیه ایران / ص ۶

نوشته خانم دکتر یارا م. عاصی، استادیار دانشکده مدیریت و انفورماتیک بهداشت جهانی در دانشگاه فلوریدای مرکزی، پژوهشگر منازعات، حقوق بشر، عدالت در سلامت و سیاست‌های بشردوستانه و فعال در برخی برنامه‌های سلامت مربوط به فلسطین

نشر در سوم ژوئن ۲۰۲۶ برابر با سیزدهم خرداد ۱۴۰۵

برگردان انگلیسی به فارسی و توضیحات اضافی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

(مقاله دوم)

بحران بشردوستانه در ایران؛ جنگ، چالش قانونی بودن و زوال سلامت عمومی / ص ۱۶

نوشته کارل بلانشت (عضو مرکز مطالعات بشردوستانه ژنو، دانشکده پزشکی، دانشگاه ژنو، سوئیس)، سلطان برکات (عضو دانشکده سیاست عمومی، حمد بن خلیفه، دوحه، قطر)، برنات کومار (از موسسه بهداشت عمومی نروژ، اسلو، نروژ) و پل اشپیگل (از مرکز بهداشت بشردوستانه جانز هاپکینز و دانشکده بهداشت عمومی بلومبرگ جانز هاپکینز، بالتیمور، مریلند، ایالات متحده آمریکا)

نشر در هجدهم مارس ۲۰۲۶ برابر با بیست و هفتم اسفند ۱۴۰۴

مجری برگردان انگلیسی به فارسی متن: فاطمه بابابی فتلکی، دانش پژوه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای اروپا و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

ویرایش و نهایی سازی و توضیحات اضافی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تأثیرات بشردوستانه جنگ علیه ایران

نوشته خانم دکتر یارا م. عاصی،^۱ استادیار دانشکده مدیریت و انفورماتیک بهداشت جهانی در دانشگاه فلوریدای مرکزی، پژوهشگر منازعات، حقوق بشر، عدالت در سلامت و سیاست‌های بشردوستانه و فعال در برخی برنامه‌های سلامت مربوط به فلسطین

(نشر در سوم ژوئن ۲۰۲۶ برابر با سیزدهم خرداد ۱۴۰۵)

برای صدها کودکی که در مدرسه ابتدایی شجره طیبه در شهر میناب ایران شرکت داشتند، روز شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ احتمالاً مانند هر روز عادی دیگری آغاز شد. اما در آن صبح، درست پس از اینکه والدین، دانش‌آموزان را به مدرسه رسانده بودند، این مدرسه به دلیل گزارش‌هایی مبنی بر اینکه ایالات متحده و اسرائیل حملاتی را علیه ایران آغاز کرده‌اند، تصمیم گرفت به سرعت تعطیل شود.^۳ با خانواده‌ها تماس گرفته شد تا برای بازگرداندن فرزندان خود مراجعه کنند، اما دیگر دیر شده بود. در بازه زمانی بین ساعت ۱۰:۲۳ تا ۱۰:۴۵ صبح، یک حمله هوایی به مدرسه اصابت کرد.^۴ حداقل ۱۵۰ نفر—که بیشتر آنها کودکانی بین ۷ تا ۱۲ سال و همچنین ۲۶ معلم بودند—کشته شدند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در ابتدا ادعا کرد که این حمله «توسط ایران انجام شده است»^۵ با وجود استفاده از موشک تاماهاوک (Tomahawk)، سلاحی که در دسترس نظامی ایران نیست. بر اساس گزارش‌های

^۱. The Humanitarian Impact

^۲. Yara M. Asi

^۳. برابر اظهارات منتشره مراجع رسمی و یا شاهدان حادثه میناب، مسئولان مدرسه شجره طیبه میناب قبل از اولین موشکی که به مدرسه برخورد کرده تصمیمی برای تعطیلی نداشته‌اند چرا که هیچ احتمالی مطرح نبوده که شاید دشمن به مدرسه حمله کند ولی پس از اولین موشکی که به مدرسه برخورد می‌کند و بچه‌ها و معلمان به نمازخانه می‌روند شاید تماس‌هایی با خانواده‌ها گرفته شده یا خودشان مطلع شده‌اند و عازم مدرسه شده‌اند که از سرنوشت بچه‌های خود با خبر شوند که متأسفانه قبل از امکان نجات بچه‌ها موشک‌های دوم و سوم جنایتکاران به مدرسه برخورد می‌کند و طیف گسترده‌ای از بچه‌ها و معلمان و کارکنان دبستان را پرپر می‌نماید. بنا به خبر منتشره در ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ در خبرگزاری مهر، رییس کل دادگستری هرمزگان شرح داده که به مدرسه و درمانگاه مجاور آن ۵ حمله صورت گرفته است. (توضیح افزوده بر متن)

^۴. برابر مستندات منتشره، حمله هوایی مورد اشاره ناشی از اقدام هواپیماها یا پهبادها نبوده است بلکه با شلیک موشک‌های تاماهاوک از ناوهای دریایی آمریکا در منطقه انجام شده است. (توضیح افزوده بر متن)

^۵. رییس‌جمهور جنایتکار آمریکا علاوه بر این ادعای کذب، موارد بی‌شماری دروغ‌های دیگر را نیز مطرح کرده و علیرغم تقاضاهای متعدد رسانه‌ها و نهادهای مدنی و افکار عمومی و کمیسیون عالی حقوق بشر و شورای حقوق بشر سازمان ملل مبنی بر تحقیقات فوری در مورد این واقعه در جهت

رسانه‌ای، بررسی اولیه پنتاگون نشان داد که ایالات متحده احتمالاً مسئول این حمله بوده است، به دلیل اشتباهی ناشی از [استفاده از] اطلاعات قدیمی برای هدف‌گیری.^۶ یونسکو این حمله را «یک نقض جدی حقوق بشردوستانه» خواند.^۷ با وجود یافته اولیه گزارش شده پنتاگون مبنی بر مسئولیت ایالات متحده، دولت ترامپ ایران را مقصر دانسته و ادعا کرد که رژیم ایران «از مردم بی‌گناه ایران به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند».^۸ این حمله که درباره‌اش پنتاگون هنوز هیچ اطلاعات مبنایی منتشر نکرده است، به عنوان مرگبارترین حمله به غیرنظامیان در جنگ جاری شناخته می‌شود.

حمله به مدرسه، با این حال، به ندرت منحصر به فرد بود. گزارش‌ها نشان می‌دهند که تا اواسط ماه می ۲۰۲۶، بمباران‌های آمریکا منجر به تخریب ۲۲ مدرسه و ۱۷ تأسیسات درمانی در ایران شده و بیش از ۱۷۰۰ غیرنظامی را کشته است.^۹ این حملات به نظر می‌رسد با تهدید ترامپ برای بمباران ایران جهت بازگشت [این کشور] به «عصر

پاسخگویی عوامل ارتکاب این جنایت جنگی، اهمیتی به موضوع نداده و رویه غیر انسانی خود را ادامه داده است. هگرت، وزیر جنگ آمریکا نیز مشابه موضعگیری‌های ضد انسانی رییس خود، مطالب کذب را بارها تکرار کرده است (توضیح افزوده بر متن)

^۶. اگرچه رسانه‌های متعددی در غرب تلاش کرده‌اند تا این روایت را ترویج دهند که این حمله اشتباهی صورت گرفته و اطلاعات غیر دقیق روز آمد نشده یا اعتماد زیاد به هوش مصنوعی باعث این جنایت شده است اما تحقیقات متعدد برخی گروه‌های رسانه‌ای و بعضی از نهادهای فعال حقوق بشر تأیید کردند که این حمله نمی‌تواند اشتباهی باشد و شواهد و قرائن به خوبی نشان می‌دهند که حمله عامدانه و برنامه‌ریزی شده صورت گرفته است. به عنوان مثال، سازمان دیده بان حقوق بشر به صراحت اعلام کرد که حمله به مدرسه میناب حمله‌ای دقیق و نه تصادفی بوده و باید تحقیقات موثری انجام شود تا عوامل ارتکاب این جنایت جنگی پاسخگو شوند. (نقل از دویچه فارسی آلمان، ۱۷ اسفند ۱۴۰۴). (توضیح افزوده بر متن)

^۷. شاید برخی تصور کنند که چنین جنایت آشکاری را لابد سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با قوی‌ترین ادبیات و در سریع‌ترین زمان بعد از وقوع جنایت محکوم کرده است اما وقتی متن صادره بیانیه یونسکو ملاحظه شود، متأسفانه معلوم می‌گردد که چنین برداشتی واقعیت ندارد و چند جمله صادره خیلی کلی و پیام‌هایی کوتاه ناظر به تطبیق مصداق با موازین بین‌المللی دارد. ترجمه فارسی عین بیانیه انگلیسی یونسکو در یکم مارس ۲۰۲۶ برابر با دهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی چنین است: «گزارش‌های اولیه نشان می‌دهد که حمله به یک مدرسه ابتدایی دخترانه در میناب، جنوب ایران، منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر، از جمله تعداد زیادی دانش‌آموز، شده است. کشتن دانش‌آموزان در مکانی که به آموزش اختصاص داده شده است، نقض جدی حمایتی است که طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه به مدارس اعطا می‌شود. حملات علیه مؤسسات آموزشی، دانش‌آموزان و معلمان را به خطر می‌اندازد و حق آموزش را تضعیف می‌کند. یونسکو مطابق با مأموریت خود و قطعنامه ۲۶۰۱ (۲۰۲۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد، تعهدات همه طرف‌ها را برای محافظت از مدارس، دانش‌آموزان و پرسنل آموزشی یادآوری می‌کند.» (توضیح افزوده بر متن)

^۸. مشابه این نحو ادبیات برای گریز از پاسخگویی در قبال جنایت ارتکابی را بارها اسرائیل در مورد کشتار مردم فلسطین یا لبنان بکار بسته است. هر موقع جمعیتی از مردم بیگناه را هدف قرار داده مدعی شده که آنها سپر انسانی نیروهای مقاومت بوده‌اند فلذا نیروهای مقاومت مقصر هستند نه عامل کشتار مردم غیر نظامی! (توضیح افزوده بر متن)

^۹. این اظهار نظر در خور توجه است و مخاطب را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که هدف‌گیری مدرسه میناب فقط یک حادثه نبوده بلکه معرفی از یک الگوی گسترده جنایت بوده است چرا که بعداً نیز در سراسر کشور مدارس و مراکز آموزشی مختلف ایران هدف قرار گرفته‌اند. البته آمار درست مراکز هدف قرار گرفته بسیار بیشتر از عددی است که نویسنده اعلام داشته است. برابر اعلام معاون وزیر و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و

حَجر»^{۱۰} و فراخوان وزیر دفاع، پیت هگرت برای اقدام نیروهای نظامی آمریکا با «حداکثر کُشنندگی، و عدم رعایت [حتی] قانون مداری ضعیف»^{۱۱} لهمسو باشد.

پوشش رسانه‌های آمریکا از این جنگ عمدتاً بر اظهارات پر حجم و متناقض رئیس‌جمهور ترامپ و تأثیر جنگ بر هزینه زندگی آمریکایی‌ها متمرکز بوده است. آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، هزینه قابل توجهی است که جنگ بر زندگی مردم عادی ساکن ایران تحمیل کرده است.^{۱۲}

در حالی که مذاکرات برای تداوم آتش‌بس ادامه دارد، بازتاب دقیق اینکه چگونه این جنگ شرایط بشردوستانه غیرنظامیان ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است، حیاتی می‌باشد.

لایه‌های رنج‌های بشردوستانه

سال‌ها پیش از جنگ سال ۲۰۲۶، ایران با چالش‌های بشردوستانه متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کرد که بسیاری از آن‌ها ناشی از یا تشدید شده توسط تحریم‌های بین‌المللی بودند. واشنگتن برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹، پس از آنکه

تجهیز مدارس کشور در مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ (منتشره در سامانه خبر فوری)، در جنگ تحمیلی اخیر، هزار و ۴۸۹ مدرسه و واحد آموزشی کشور بر اثر حملات مستقیم دشمن به صورت جزئی و کلی دچار آسیب و تخریب شد که هم‌اکنون ۹۶۹ واحد آن پس از بازسازی به چرخه آموزشی بازگشته است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۰}: The stone ages

^{۱۱}: Maximum lethality, not tepid legality.

این اظهار نظر هگرت جنایتکار، مستند بسیاری از نوشته‌های انتقادی متخصصان حقوق بشردوستانه و اخلاق در خود آمریکا و سایر کشورها قرار گرفته که ابراز تاسف کرده‌اند از اینکه وی عملاً رعایت موازین حقوق بشردوستانه را در تجاوز علیه ایران تعطیل کرده و دست عوامل تابعه خود را باز گذاشته که هر جنایتی را با شدیدترین شکل ممکن مرتکب شوند. برخی از آثار برجسته انتقادی مزبور در امور پژوهشی کمیسون ترجمه و منتشر شده است. برای دنیا بسیار معنادار است که با همه این بیرحمی‌ها و جنایت‌ها باز نتوانستند ملت ایران را به زانو در آورند بلکه مقاومت همه جانبه و شجاعانه ایرانیان را شاهد بودند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۲}. این نکته نیز در خور توجه است که رسانه‌های آمریکا و دیگر کشورهای غربی تنها نگران هزینه‌های زندگی خود از این جنگ هستند و حتی اگر ترامپ را سرزنش می‌کنند عمدتاً به این جنبه منافع خودشان مربوط می‌شود و نه اینکه چرا مرتکب انواع جنایات علیه ملت ایران شده است و چرا ترامپ و نتانیاهو بانی ریختن خون هزاران بیگناه شده و حق تعیین سرنوشت دیگر ملت‌ها چرا لگد مال گردیده است. این واقعیت خصوصاً برای کسانی که همواره تصویرهای رویایی از اهمیت دهی جوامع غربی به ارزشهای انسانی ارائه می‌کنند یا دچار خودباختگی فکری و فرهنگی هستند و عادت کرده‌اند که جامعه خود را کم بها عرضه نمایند و ناموجودی دیگران را موجودی دیده و مهم جلوه دهند، در خور تأمل بیشتر است. (توضیح افزوده بر متن)

دانشجویان انقلابی دیپلمات‌ها را در سفارت ایالات متحده در تهران گروگان گرفتند، علیه ایران تحریم وضع کرد و پنج سال بعد ایران را به عنوان حامی تروریسم^{۱۳} معرفی نمود. رژیم تحریمی ایالات متحده با گذشت دهه‌ها شدیدتر شد. در سال ۲۰۰۷، شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم‌هایی را تصویب کرد و اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۱۰ تحریم‌های خود را اعمال نمود.

در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶، برخی از این تحریم‌ها موقتاً تحت توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» (JCPOA) که توسط دولت باراک اوباما و پنج کشور دیگر با ایران منعقد شد، برداشته شدند؛ توافقی که در ازای رفع تحریم‌ها، توانایی هسته‌ای ایران را محدود می‌کرد. با این حال، رئیس‌جمهور ترامپ در سال ۲۰۱۸ ایالات متحده را از توافق یاد شده خارج کرد و پس از آن، تحریم‌های ایالات متحده و سپس تحریم‌های سازمان ملل مجدداً اعمال شدند.

ده‌ها سال تحریم‌های سخت‌گیرانه، اقتصاد ایران را ضعیف و ناپایدار کرده است؛ اقتصادی که با تورم بالا، دستمزدهای پایین و ارزی که بخش زیادی از ارزش خود را از دست داده، همراه است. اگرچه تحریم‌ها با هدف قرار دادن بخش بانکی ایران، صادرات نفت و تجارت بین‌المللی وضع شده بودند، اما همچنین واردات کالاهای و خدماتی که برای اهداف بشردوستانه مورد نظر بودند را با تأخیر مواجه کردند یا گاهی کاملاً متوقف ساختند. این امر منجر به کمبود دارو و تجهیزات پزشکی و سایر اقلام شد. تحریم‌ها همچنین از واردات مواد اولیه که ایران برای تولید داروها و لوازم پزشکی خود نیاز داشت، جلوگیری کردند.^{۱۴}

^{۱۳}. تجربه سالها تحریم آمریکا علیه کشورهای مختلف نشان داده که اولین تحریم آمریکا علیه ایران ربطی به صرفاً بحث حوادث سفارت این کشور در تهران نداشته بلکه اگر آن نبود بهانه دیگری را مطرح می‌کرد و علیه نظام سیاسی که قرار است فشار بیاورد تا به اهداف سیاسی خود برسد تحریم وضع می‌نمود. در خصوص برچسب زنی تروریسم به کشورهای مختلف نیز سالهاست که برای دنیا معلوم شده که ربطی به واقعیت تروریسم ندارد بلکه هر نظام سیاسی که تسلیم خواسته‌های آمریکا شود از این برچسب‌ها رهاست ولی اگر از حقوق خود دفاع کند و در مقابل زورگویی بایستد، انواع برچسب‌های محدودیت آور از جمله همین عنوان علیه او بکار گرفته خواهد شد. دولت آمریکا برابر مستندات منتشره، برجسته‌ترین نقش را در شکل‌گیری مهم‌ترین گروه‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود داشته است و اسرائیل نیز مهم‌ترین مظهر تروریسم دولتی در سطح جهان است که باز همواره از حمایت آمریکا برخوردار بوده و می‌باشد. از حیث مثالهای عینی، مورد جدید قابل مطالعه سوریه است. پس از فروپاشی نظام اسد در سوریه، دولت جولانی در این کشور به محض اینکه خواسته‌های آمریکا را پذیرفت فارغ از سوابق واقعه تروریستی گذشته خود که در قالب گروه‌های تکفیری مرتکب هزاران جنایت شده بود، از فهرست تروریسم آمریکا خارج گردید و تحریم‌های مرتبط نیز علیه ایشان مرتفع گردید. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۴}. این واقعیت که تحریم‌های آمریکا و اروپا حتی بر نظام درمانی و دارویی و امور بشردوستانه ایران تأثیر منفی بسیار داشته است، نکته درستی است که نویسنده اشاره کرده ولی نگفته که بارها گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل در مورد پیامدهای غیر انسانی تدابیر یکجانبه قهری از جمله تحریم‌ها اعلام کرده که این اقدامات، ضد انسانی و برخلاف موازین حقوق بین‌الملل است اما عوامل این جنایات به رویه خود ادامه داده و به دروغ

تحریم‌ها معمولاً آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در حالی که نخبگان به ندرت در آن سطح، رنج را تحمل می‌کنند. شواهد حاصل از رژیم‌های تحریمی مشابه [از جمله] موارد اعمال‌شده بر کشورهای مانند کوبا، لیبی و عراق نشان می‌دهد که اگرچه هدف اعلام‌شده تحریم‌ها، یعنی تغییر رفتار رژیم‌ها، تقریباً هرگز محقق نمی‌شود، پیامدهای بشردوستانه آن‌ها همیشه گسترده است.

تحریم‌ها معمولاً آسیب‌پذیرترین غیرنظامیان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در حالی که نخبگانی که تصمیمات سیاسی می‌گیرند و اقتصاد را کنترل می‌کنند، به ندرت به آن میزان، رنج را تجربه می‌کنند.

مشکلات اقتصادی ایران بدان معناست که حتی پیش از این جنگ، بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین هزینه غذا، اجاره‌خانه، مراقبت‌های پزشکی و سایر ضروریات با دشواری روبه‌رو بودند. درآمد سرانه ملی از هشت هزار دلار در سال ۲۰۱۲ به پنج هزار دلار در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت. اگرچه فقر پس از سال ۲۰۲۰، پس از افزایش در سال‌های قبل، [روند] کاهشی پیدا کرد، اما پیش از جنگ [آخر] بین ۳۵ تا ۴۰ درصد شهروندان ایران نزدیک به خط فقر زندگی می‌کردند (با زیست کمتر از ۱۰ دلار در روز). ایران همچنین سال‌ها میزبان میلیون‌ها پناهنده، به ویژه از افغانستان [کشور] همسایه [خود] بوده است که آنها در میانه برخی آزارها و قربانی واقع شدن توسط دولت ایران^{۱۵} در فقر زندگی کردند. در سال ۲۰۲۵، ایران صدها هزار تن از این پناهجویان را مجبور به بازگشت به افغانستان کرد.

علی‌رغم این چالش‌ها، ایران در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه سوادآموزی و آموزش داشته است، از جمله در میان زنان. با این حال، نرخ بیکاری در این کشور بسیار بالاست و مشارکت زنان در نیروی کار تنها ۱۷

همواره مدعی شده‌اند که این حوزه‌ها تحت تحریم نیست. کودکان پروانه‌ای در ایران که حتی از دسترسی به پانسمان مورد نیاز درمان مستمر خود محروم شده و در موارد متعدد به همین جهت جان عزیز خود را از دست دادند از جمله مصادیقی هستند که رسوایی دروغ‌گویی عوامل این نوع جنایت علیه بشریت را به جهانیان معرفی کرده‌اند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۵}. این تعابیر بیشتر توسط برخی دولت‌ها و رسانه‌های مرتبط مطرح می‌شود که خود بدترین رفتارها را علیه مهاجران بکار می‌گیرند اما وقتی قرار است در مورد یک کشور در حال توسعه از جمله ایران که سال‌ها میزبان میلیون‌ها پناهجوی خارجی بوده اظهار نظر کنند از اینکه با همه سختی‌ها مردم میزبان از نان خود گذشته و به مهاجران کمک کرده‌اند و زمینه حضور آنها در انواع مشاغل کشور را فراهم ساخته‌اند را نادیده گرفته و ادعا می‌کنند که مهاجران در فقر و اذیت زندگی کردند و وقتی هم که کشور میزبان زمینه بازگشت آنها به کشور خودشان را فراهم ساخت، اعلام می‌کنند که دولت میزبان به اجبار آنها را به کشورشان برگردانده است و چرا چنین کرده است. البته انتقاد از این برخورد دوگانه به معنای نادیده گرفتن اینکه برخی از مهاجران ممکن است در کشور محل اقامت از جمله ایران با سو برخوردهایی مواجه شده یا حقوق آنها نقض شده باشد، نیست، بلکه رویه غالب مورد اشاره است که ایرانیان با همه مشقت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های خارجی یا سو مدیریت‌های داخلی برای زیست شرافتمندانه مهاجران کشور همسایه از هیچ محبتی دریغ نورزیده‌اند. (توضیح افزوده بر متن)

درصد است. اگرچه تحریم‌ها و فساد قطعاً در اقتصاد ضعیف نقش دارند، یک فرهنگ پدرسالارانه عمیقاً ریشه‌دار^{۱۶} نیز حقوق زنان را محدود می‌کند. زنان ایرانی با هنجارهای نابرابر در خانه و محل کار، قوانین تبعیض‌آمیز و حمایت‌های محدود در برابر آزار و اذیت، سرقت دستمزد^{۱۷} و سایر موارد سوءاستفاده روبه‌رو هستند. در سال ۲۰۲۲، جنبش «زن، زندگی، آزادی» پس از کشته شدن مهسا امینی، زن ایرانی-کردستانی که توسط پلیس [امنیت] «اخلاقی» ایران^{۱۸} بازداشت شد و در بازداشتگاه مورد سو برخورد قرار گرفت و در اثر جراحات وارده جان باخت،^{۱۹} شکل گرفت. نیروهای ایرانی با بی‌رحمی به این خیزش پاسخ دادند و صدها معترض را کشتند.

در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵، ایرانیان دوباره به خیابان‌ها آمدند تا اعتراض خود را نسبت به وضعیت اقتصادی وخیم و فقدان رعایت حقوق بشر بیان کنند. مأموران امنیتی حاکمیتی با خیزش سه‌هفته‌ای و گسترده برخورد قهری داشته و به سمت معترضان شلیک کردند و هزاران نفر - شاید ده‌ها هزار نفر - را زخمی و یا کشتند.^{۲۰} در ۸ ژانویه ۲۰۲۶، دولت ایران

^{۱۶} Deeply rooted patriarchal culture

^{۱۷} Wage theft

^{۱۸} Iran's 'morality' police

^{۱۹} . این روایت از وضعیت زنان در ایران عمدتاً بازتاب دهنده همان رویکرد رایج در رسانه‌های جریان اصلی آمریکا و اروپاست است که تلاش دارند همواره جامعه ایران را سیاه و زنان را فاقد حق به تصویر بکشند. در این رویکرد مستندات معتبر امنیتی ندارد بلکه تراکم اخبار و داده‌ها برای تثبیت تصویر مورد نظر در جهت رسیدن به اهداف سیاسی یا فرهنگی و یا حتی امنیتی مهم است. مثلاً امنیتی ندارد که پزشکی قانونی ایران اعلام کند که هیچ برخورد فیزیکی نسبت به خانم امینی صورت نگرفته است یا مهم نیست که اصلاً در کشور با عنوانی به نام سرقت دستمزد زنان روبرو نباشیم. نظر به اینکه مرکز عربی واشنگتن دی سی سفارش تهیه این گزارش را به نویسنده عرب خود داده و آنرا منتشر کرده، بعید نیست حتی این تعبیر را خود مسئولان مرکز در متن افزوده باشند تا در کنار به اصطلاح بشردوستانه ظاهری برای مردم ایران در حوزه پیامدهای جنگ، نکات منفی متعدد را علیه جامعه ایران ترویج دهند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۰} . در این روایت گری نیز ظاهراً اهمیتی برای نویسنده یا مرکز سفارش دهنده گزارش ندارد که در کنار این توصیفات منفی علیه عملکردها در ایران به برخی عوامل موثر خارجی راه اندازی بی‌ثباتی در ایران به ویژه تحرکات گسترده دستگاه‌های رسمی آمریکا و اسرائیل و انتقال تسلیحات و امکانات متعدد برای به نتیجه رساندن طرح عملیاتی شوم آنها علیه ایران اشاره شود یا اعلام گردد که آمارهای بی‌مبنایی که ترامپ و دار و دسته جنایتکار تانیاها از حوادث ایران منتشر کرده اند تماماً بی‌منا و خود بخشی از برنامه عملیاتی آنها بوده است. در این راستا نویسنده یا مرکز انتشار دهنده گزارش اهمیتی نداده که اعلام کند آمار دقیق جانب‌باختگان حوادث مورد اشاره شامل شماره کد ملی آنها را دولت ایران به صورت شفاف منتشر کرده و از میان سه هزار جان‌باخته مزبور حدود ۵۰۰ نفر مأموران پلیس و نیروهای حافظ امنیت کشور بوده اند و حدود دو هزار نفر را نیز مراجع رسمی ایران به عنوان شهید شناسایی کرده که بی‌آنکه نقشی در تخریب‌ها داشته باشند مظلومانه هدف قرار گرفته اند. در قبال این روایت سازی‌ها البته از طرف‌های خارجی انتظار زیادی نمی‌توان داشت اما از مسئولان داخلی ایران می‌توان انتظار داشت که با عملکردهای مناسب و رعایت حقوق مردم هیچگاه نگذارند که کار به جایی برسد که بین مأموران حافظ امنیت جامعه و قاطبه مردم تنش و درگیری شکل بگیرد یا طرف خارجی بتواند بر موج نارضایتی‌های برحق مردم سوار شده و مسیرهای مورد نظر خود را به پیش برد و انواع خسارت‌ها به مردم یا شئون جامعه ایران وارد گردد. وقایعی چون حوادث ۴۰۱ یا ۴۰۴ سالها قطعاً دستمایه بحث‌های متعدد خواهد بود و هرچه روندهای جبران خسارات زیان‌دیدگان و شفاف‌سازی ابعاد مختلف واقع شده و پاسخگویی‌های لازم و اصلاح روندهای نارضایتی‌ساز در خود ایران و توسط نهادهای مسئول یا مراکز معتبر علمی به

دسترسی به اینترنت را در سراسر کشور محدود کرد تا از انتشار اطلاعات درباره سرکوب شدید جلوگیری کند.^{۲۱} گزارش‌ها نشان می‌دهند که مقامات تنها در اواخر ماه می ۲۰۲۶ شروع به بازیابی سرویس اینترنت کردند.

به خاطر همه این علل، مردم ایران به مدت دهه‌ها از همه جهات تحت فشار بوده‌اند. پیش از جنگ سال ۲۰۲۶، استانداردهای زندگی به شدت در حال کاهش بود، نارضایتی عمومی بالا بود و دولت در مدیریت تورم، بیکاری و مخالفت‌های سیاسی دچار مشکل بود. جنگ [اخیر] این آسیب‌پذیری‌ها را شدیدتر کرده و مجموعه‌ای از مشکلات جدید را نیز ایجاد نموده است.

مرگ میر، جراحت و صدمه، و آوارگی

تا اواسط آوریل ۲۰۲۶، یک گروه حقوق بشری تخمین زد که نزدیک به ۱۷۰۰ غیرنظامی در ایران، از جمله حداقل ۲۵۴ کودک (از مجموع حدود ۳۴۰۰ نفر)، در جنگ تا آن زمان کشته شده‌اند. تا ۱ ژوئن ۲۰۲۶، گزارش شده بود که ۲۵۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند، از جمله حدود ۴۰۰۰ زن و ۱۶۰۰ کودک. بیشتر این مجروح شدن‌ها به نظر می‌رسد نتیجه حملات هوایی و اثرات آن‌ها باشد، از جمله زخم‌های ناشی از ترکش [مواد انفجاری]، سقوط آوار، آسیب‌های مرتبط با انفجار و فرو ریختن سازه‌ها. سیستم بهداشتی ناکافی کشور و بمباران مراکز درمانی در زمان جنگ به این معنی است که منابع لازم برای درمان مجروحان بسیار محدود است.

تاخیر بیفتد، راه برای فعالیت‌های بیرونی علیه ایران فراهم خواهد بود و قطعاً می‌تواند پیامدهای حقوقی را نیز در پی داشته باشد. (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۱}. نویسنده یا مرکز انتشار دهنده گزارش نمی‌گویند که قطع اینترنت در ایران شاید مبتنی بر ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی شناخته شده برای محدود سازی برخی از حقوق و آزادی‌ها در شرایط اضطراری (Derogation) به این علت بر مسئولان جامعه ایران تحمیل گردیده که مانع تحرکات گسترده و فعالیت‌های مجازی وسیع موساد و سازمان سیا در بی‌ثبات سازی و ترویج خشونت و اقدامات تروریستی در جامعه ایران شوند. در چند ماه اخیر رسانه‌های خود کشورهای غربی از جمله آمریکا و فرانسه و کانادا گزارش دادند که میلیون‌ها هویت جعلی و پیام با هوش مصنوعی با نام‌های متعدد برای رسیدن به هدف طراحان بی‌ثبات سازی ایران در مقطع ناآرامی‌ها بین ایرانیان نشر داده شده تا افکار عمومی تحت تاثیر قرار بگیرد و طراحان این برنامه ویژه بتوانند مردم را در راستای هدف خود بکار بگیرند.

البته در ماه‌های اخیر قطع اینترنت در داخل کشور مورد انتقادات جدی گروه‌های مختلف قرار گرفت و همین انتقادات باعث شد تا بالاخره با ابتکار شخص رئیس‌جمهور و علیرغم وضعیت جنگی در روابط ایران با آمریکا و اسرائیل دسترسی به اینترنت دوباره برقرار و روند قطع ادامه پیدا نکند. انتقادات مربوط به رهایی از پدیده فیلتر شکن خری و پیامدهای منفی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و حتی امنیتی آن هنوز بی‌پاسخ مانده است (توضیح افزوده بر متن)

تعداد زیادی از غیرنظامیان در پی حملات هوایی و مناطق آسیب پذیر فرار کرده اند. تنها چند هفته پس از شروع جنگ، کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) تخمین زد که ۳،۲ میلیون ایرانی در داخل کشور جابه جا شده اند، که اکثر آن ها از مناطق شهری بوده اند.

جنگ باعث شده است که وضعیت بسیاری از جمعیت های پناهنده در ایران، از جمله افغان ها، به شدت آسیب پذیرتر شود. بسیاری از آن ها سعی کردند وقتی جنگ آغاز شد، ایران را ترک کنند، با وجود شرایط دشوار در کشورهای خودشان. با گسترش جنگ به خاورمیانه، کشورهای دیگر نیز تحت تأثیر قرار گرفته اند، از جمله لبنان، که خشونت اسرائیلی از مارس ۲۰۲۶ باعث جابه جایی حدود ۲۰ درصد از جمعیت آن شده است. با وجود اینکه نزدیک به ۱۸ میلیون نفر پیش از این جنگ به طور اجباری در خاورمیانه جابه جا شده بودند، اضافه شدن میلیون ها نفر دیگر، چالش های بشردوستانه و حشناک منطقه را تشدید می کند.

کمبود احتمالی غذا

ایران مدرن تاریخچه طولانی از خشکسالی، قحطی و جنگ دارد. پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، خودکفایی در غذا، که باید از طریق تولید کشاورزی داخلی کشور محقق می شد، به اولویت تبدیل شد و حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی جدید نیز به رسمیت شناخته شد. با این حال، فساد و ناکارآمدی در یارانه های کشاورزی، شیوه های ناپایدار در نگهداری آب و زمین (حدود ۹۲ درصد از خروجی آب کشور برای آبیاری کشاورزی استفاده می شود)^{۲۲} و وابستگی افزایش یافته به واردات غذا، به ویژه برای کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و ذرت، به این معنی بوده است که افزایش اندک تولید مواد غذایی داخلی^{۲۳} از سال ۱۹۷۹ برای تأمین نیازهای جمعیت به سرعت در حال رشد کافی نبوده است.

^{۲۲}. این آمار را معلوم نیست نویسنده یا تهیه کنندگان گزارش از چه منبعی نقل کرده اند چون بنا به منابع داخلی ایران این آمار نادرست است. معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی در مصاحبه ای که در آذر ماه ۱۴۰۴ با رسانه ها داشته، اعلام کرده: مصرف آب کشاورزی در سال زراعی گذشته حدود ۴۵ میلیارد متر مکعب بوده و این در حالی است که آب تجدیدپذیر کشور در همان دوره به حدود ۷۰ میلیارد متر مکعب رسیده است. بر همین اساس، سهم مصرف کشاورزی از آب تجدیدپذیر [کشور] حدود ۷۰ درصد برآورد می شود-نقل از ایسنا / یکم آذر ۱۴۰۴ (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۳}. کاملاً مشخص است که نویسنده یا مرکز انتشار دهنده گزارش با هر انگیزه و علتی، رجوعی به منابع معتبر نکرده و ادعایی بی اساس را مطرح نموده اند. آمار تولیدات کشاورزی ایران و تفاوت های عمده آن به نسبت دهه های قبل در سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در دسترس

در سراسر ایران، تورم، ضایعات غذا، آب و هوای شدید (که اغلب مرتبط با تغییرات اقلیمی است) و تحریم‌ها باعث افزایش ناامنی غذایی شده‌اند و افراد بیشتری در آستانه عدم دسترسی کافی به غذا قرار دارند. قیمت اقلام اساسی غذا مانند برنج، عدس و روغن گیاهی پیش از جنگ به شدت در حال افزایش بود؛ در سپتامبر ۲۰۲۵، ایران گزارش داد که قیمت خرده‌فروشی غذا ۴۲ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. اگرچه داده‌های جدیدی درباره ناامنی غذایی در ایران پس از شروع جنگ وجود ندارد، گزارش‌های اخیر رسانه‌ای نشان می‌دهد که خانواده‌های بیشتری برای تأمین هزینه غذا با مشکل روبه‌رو هستند.

تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی

یکی از عوامل اصلی در چالش‌های بشردوستانه کنونی ایران، تخریب گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی توسط حملات هوایی ایالات متحده و اسرائیل است. ایالات متحده اعلام کرده است که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ به بیش از ۱۳۰۰۰ هدف حمله کرده است، در حالی که اسرائیل گزارش داده است که حداقل ۱۸۰۰۰ بمب پرتاب کرده است. اگرچه این حملات ظاهراً مراکز تولید تسلیحات، کشتی‌های جنگی، سیستم‌های دفاع هوایی و سایر اماکن نظامی را هدف قرار می‌دادند، اما در طی این فرآیند، زیرساخت‌های غیرنظامی نیز اغلب آسیب دیده یا نابود شده‌اند.

سازمان جهانی بهداشت گزارش می‌دهد که بخش بهداشت ایران آسیب‌های جدی دیده است؛ حداقل ۴۸ بیمارستان، ۲۱۸ مرکز بهداشتی دیگر و ۴۱ آمبولانس مورد آسیب قرار گرفته‌اند. حداقل هشت بیمارستان به دلیل خطر حمله تخلیه شدند. حملات هوایی کارخانه‌های داروسازی مانند تأسیسات «توفیق دارو» در تهران، که داروهای درمان سرطان تولید می‌کرد و مستقیماً توسط موشک اصابت کرد، را نیز آسیب رسانده‌اند. با توجه به توان محدود ایران در واردات داروها، به ویژه داروهای گران‌قیمتی که برای درمان بیماری‌هایی مانند سرطان مورد نیاز هستند، بسیاری از بیماران بدون گزینه درمانی خواهند ماند. موسسه پاستور، که ۱۰۶ سال قدمت دارد و قدیمی‌ترین نهاد بهداشت عمومی ایران است و خدمات حیاتی شامل تولید واکسن، نظارت بر بیماری‌ها و تحقیقات بهداشت عمومی را ارائه می‌دهد، نیز مورد بمباران واقع شد که منجر به ویرانی غیرقابل جبران آزمایشگاه‌ها و نمونه‌ها گردید.

است و براحتمی می‌توان متوجه شد که کشاورزان ایران چه موفقیت‌های بزرگی در محصولات مختلف داشته و در چه مواردی ایران را به خودکفایی رسانده به گونه‌ای که مازاد تولید آنها به خارج کشور صادر می‌شود. (توضیح افزوده بر متن)

در حالی که گزارش‌دهی از داخل ایران به دلیل قطع اینترنت محدود بوده است، تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های مقطعی از سوی گروه‌ها و افراد حقوق بشری ایرانی نشان‌دهنده آسیب دیدن سایر زیرساخت‌های غیرنظامی است، از جمله یک تأسیسات حیاتی آب‌شیرین‌کن، انبارهای سوخت، پالایشگاه‌های نفت، شبکه‌های برق، مراکز ورزشی و بسیاری از سایت‌های میراث فرهنگی مانند کاخ گلستان در تهران (یک سایت میراث جهانی یونسکو).

نیروهای داخلی و خارجی، غیرنظامیان ایران را به لبه پرتگاه می‌رانند

پیامدهای انسانی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را نباید به عنوان حوادث پراکنده و آسیب‌های جانبی درک کرد، بلکه باید آن را به عنوان اوج دهه‌ها خفقان اقتصادی، حکومت استبدادی و ویرانی نظامی در نظر گرفت. حتی قبل از جنگ ۲۰۲۶، شهروندان ایرانی از قبل تحت فشار تحریم‌ها، تورم، سرکوب و کاهش استانداردهای زندگی بودند؛ این درگیری این آسیب‌پذیری‌ها را به خطرات واقعی تبدیل کرده است.

از شروع جنگ، ما شاهد کشته شدن کودکان در کلاس‌های درس، غیرفعال شدن بیمارستان‌ها، آواره شدن میلیون‌ها نفر از خانه‌هایشان و افزایش خطرات قحطی و فروپاشی سیستم بهداشتی بوده‌ایم. این اثرات احتمالاً بحران بشردوستانه‌ای ایجاد خواهد کرد که حتی اگر توافق آتش‌بس پایدار حاصل شود، همچنان ادامه خواهد داشت.

در حالی که رهبران غربی، جنگ را از طریق زبان ژئوپلیتیکی بیان می‌کنند، واقعیت زیسته برای ایرانیان عادی، ترس، فقدان، آوارگی و بقا بوده است، که ناشی از تهدیدهایی هم از سوی نظامی که تحت آن زندگی می‌کنند و هم از سوی کشورهای است که ظاهراً به هر قیمتی به دنبال مجازات رژیم ایران هستند. هرگونه بحث جدی در مورد آتش‌بس یا مذاکرات صلح باید فراتر از محاسبات نظامی باشد و با هزینه‌های عظیم انسانی که تاکنون بر غیرنظامیان در ایران تحمیل شده است، مقابله کند.^{۲۴}

^{۲۴}. در جهانی که قدرتمندان و زورگويان اجازه حق تعیین سرنوشت به ملت‌ها نمی‌دهند و هر کشوری را که از مدار دستورات آنها خارج شود را به شکل‌های متعدد مورد فشار و محرومیت و مداخلات خود قرار می‌دهند، معلوم نیست این توصیه‌های کلی که مثلاً مردم فلان کشور اذیت می‌شوند و آتش‌بس یا مذاکرات صلح به فکر آنها باشد، چه ثمری در پی دارد.

بحران بشردوستانه در ایران؛ جنگ، [چالش] قانونی بودن و زوال سلامت عمومی

نوشته کارل بلانشت^{۲۵} (عضو مرکز مطالعات بشردوستانه ژنو، دانشکده پزشکی، دانشگاه ژنو، سوئیس)، سلطان برکات^{۲۶} (عضو دانشکده سیاست عمومی، حمد بن خلیفه، دوحه، قطر)، برنات کومار^{۲۷} (از موسسه بهداشت عمومی نروژ، اسلو، نروژ) و پل اسپیکگل^{۲۸} (از مرکز بهداشت بشردوستانه جانز هاپکینز و دانشکده بهداشت عمومی بلومبرگ جانز هاپکینز، بالتیمور، مریلند، ایالات متحده آمریکا) (نشر در هجدهم مارس ۲۰۲۶ برابر با بیست و هفتم اسفند ۱۴۰۴)

بیست و هشتم فوریه ۲۰۲۶ تهران و چند شهر دیگر ایران هدف حملات هوایی هماهنگ آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند.^{۲۹} این حملات که در پی جنگ دوازده روزه ژوئن ۲۰۲۵ [جنگ ۱۲ روزه خرداد و تیرماه ۱۴۰۴ شمسی] رخ داد، بخشی از راهبرد دیرینه اسرائیل بود؛ راهبردی با [ادعای] هدف گذاری توقف برنامه هسته‌ای ایران، نابودی توانمندی‌های موشکی دوربرد و تضعیف ائتلاف‌های منطقه‌ای این کشور، به ویژه ائتلاف با حزب الله لبنان. با گذشت چهار روز، دامنه این مخاصمه سراسر خلیج فارس را فرا گرفت و به انسداد تنگه هرمز و جهش بی سابقه قیمت جهانی نفت انجامید؛ موضوعی که خود گواهی بر پس لرزه‌های سنگین و جهانی این تنش آفرینی است.

با این حال، باز هم در بحبوحه جنگ، این غیرنظامیانند که باید فوری‌ترین و ماندگارترین تاوان را پردازند. در جنگ‌های هوایی مدرن، زیرساخت‌های بهداشت عمومی به ندرت در امان می‌مانند. تاکنون بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، یک مدرسه ابتدایی و مسیرهای مواصلاتی هدف قرار گرفته یا از کار افتاده‌اند و همین امر بر وخامت تلفات انسانی افزوده است. حد فاصل ۲۸ فوریه تا ۵ مارس ۲۰۲۶، شمار جان باختگان در ایران از ۱۲۳۰ تن فراتر رفت؛ از جمله بیش

^{۲۵} Karl Blanchet

^{۲۶} Sultan Barakat

^{۲۷} Bernadette Kumar

^{۲۸} Paul Spiegel

^{۲۹} BBC. 'Every Day Feels Like a Month': Iranians Describe Life Under 'Constant' US-Israeli Strikes; 2026. London. <https://www.bbc.com/news/articles/cj4zze5lzjpo>

از ۱۶۰ کودک که روز ۲۸ فوریه در پی اصابت موشک به مدرسه‌شان در شهر میناب کشته شدند.^{۳۰} اما بی‌شک پیامدهای غیرمستقیم این بحران سهمگین‌تر خواهد بود. ایجاد اختلال در روند کنترل بیماری‌های مزمن، مراقبت‌های مادر و نوزاد، مهار بیماری‌های عفونی و خدمات سلامت روان، به افزایش آمار مرگ‌ومیر و بیماری‌های بلندمدتی می‌انجامد که تلفات آن‌ها غالباً از کشته‌شدگان مستقیم میدان نبرد نیز بیشتر است.^{۳۱}

این وضعیت اضطراری در شرایطی رخ می‌دهد که سیستم‌های بهداشتی و اجتماعی ایران، در نتیجه دهه‌ها تحریم، دچار شکنندگی مزمن اقتصادی و ضعف‌های ساختاری‌اند. فشارهای تورمی، مسدود بودن مسیرهای تأمین داروهای حیاتی و تنش‌های زیست‌محیطی نظیر بحران کم‌آبی، از مدت‌ها پیش تاب‌آوری نهادهای درمانی [در ایران] را به پایین‌ترین حد رسانده است. در این میان، درگیری‌های مسلحانه نه تنها وقفه‌ای گذرا ایجاد نمی‌کنند، بلکه بر ابعاد این آسیب‌پذیری‌ها افزوده و روند فروپاشی نظام سلامت را شتاب می‌بخشند. هرچند روی کاغذ معافیت‌های بشردوستانه وجود دارد، موانع عملی در حوزه‌های بانکی، بیمه و تجارت، پیوسته سد راه دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی می‌شوند. در نتیجه، بار اصلی این بحران به‌شکلی ناعادلانه بر دوش زنان، کودکان، پناهجویان و اقشار حاشیه‌نشین می‌افتد و شکاف‌های موجود در دسترسی به خدمات درمانی را بیش از پیش عمیق می‌سازد. برای درک این تنش‌زایی و پیامدهای بشردوستانه آن، باید به حقوق بین‌الملل بشردوستانه^{۳۲} و منشور ملل متحد رجوع کرد. منشور ملل متحد توسل به زور را صراحتاً ممنوع کرده است؛ مگر در مقام دفاع مشروع در برابر یک حمله مسلحانه بالفعل یا قریب‌الوقوع، و یا با مجوز صریح شورای امنیت [سازمان ملل].^{۳۳}

پاره‌ای از تحلیل‌گران، از جمله کارشناسان «شورای روابط خارجی اروپا»، معتقدند حملاتی که به رهبری آمریکا انجام شد، فاقد مجوز روشن شورای امنیت [سازمان ملل] بوده و حد نصاب لازم برای تلقی شدن به‌عنوان «دفاع مشروع» (مندرج در ماده ۵۱ منشور) را برآورده نمی‌کند.^{۳۴} چنانچه این تفسیر مبنا قرار گیرد، چنین کارزار نظامی‌ای خطر تضعیف ساختار حقوقی و هنجاری بازدارنده‌ای را به دنبال دارد که اساساً برای جلوگیری از چرخه‌های تنش و

^{۳۰} Reuters. How Many People Have Been Killed in the US-Israel War on IRAN? New York, USA: Thomson Reuters; 2026

توضیح افزوده بر متن: چون نوشته حاضر ظاهراً یک هفته بعد از شروع تجاوز به ایران نگاشته شده آمارهای صدمات انسانی و غیر آن محدود به همان دوره است و آمارهای گسترده بعدی منعکس نشده است.

^{۳۱} Moradi-Lakeh M, Majdzadeh R, Farzanegan MR, Naghavi M. Iran and beyond: perilous threats to population health. Lancet.2025;406(10507):1001–1002.

^{۳۲} International humanitarian law (IHL)

^{۳۳} United Nations. UN Charter. San Francisco, USA: United Nations;1945.

^{۳۴} European Council on Foreign Relations. A War with no Winners:the Costs of US-Israeli Aggression on Iran. Brussels, Belgium:European Council on Foreign Relations; 2026.

محافظت از غیرنظامیان در برابر آسیب‌های گسترده تدوین شده است. فارغ از میزان مشروعیت قانونی در اصل توسل به زور،^{۳۵} نحوه پیشبرد مخاصمات یا اداره جنگ^{۳۶} نیز تابع مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.^{۳۷} تمامی طرف‌های مخاصمه، یعنی آمریکا، اسرائیل و ایران، ملزم به رعایت اصول سه‌گانه «تفکیک»، «تناسب» و «احتیاط» هستند. این اصول ایجاب می‌کنند که میان اهداف غیرنظامی و نظامی تفکیک قائل شد، از وارد نمودن آسیب‌های جانبی نامتناسب در قیاس با دستاورد نظامی موردانتظار پرهیز کرد و تمامی تدابیر عملی را برای به حداقل رساندن رنج غیرنظامیان به کار بست.^{۳۸}

کادر درمان و تأسیسات پزشکی نیز در هر شرایطی از مصونیت برخوردارند، مگر آنکه برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار گیرند.

گزارش‌های مربوط به آسیب دیدن بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های حیاتی، نگرانی‌های عمیقی را برانگیخته است؛ نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای حاشیه خلیج [فارس] که تحت تأثیر حملات متقابل ایران قرار گرفته‌اند.^{۳۹} حتی اگر تأسیسات درمانی مستقیماً هدف قرار نگیرند، تبعات ثانویه‌ای همچون قطعی برق، کمبود سوخت، گسست زنجیره تأمین و آوارگی کادر درمان، می‌تواند خدمات دیالیز، مراقبت‌های نوزادان، درمان‌های سرطان، اورژانس‌های مامایی و مدیریت بیماری‌های مزمن را کاملاً فلج کنند. رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها به معنای پرهیز از حملات مستقیم نیست؛ بلکه پیش‌بینی، ارزیابی و کاهش پیامدهای نظام مند این حملات بر سلامت غیرنظامیان را نیز طلب می‌کند.

موازین بین‌المللی حقوق بشر، از جمله «حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت»، در دوران مخاصمات مسلحانه و بحران‌های اقتصادی نیز به قوت خود باقی‌اند. دولت‌ها موظف‌اند از هر گونه اقدامی که به‌وضوح دسترسی به خدمات ضروری را مختل می‌سازد، پرهیزند و تضمین کنند که اقدامات اقتصادی آن‌ها، آسیب‌های

^{۳۵} Jus ad bellum

^{۳۶} Jus in bello

^{۳۷} Arbour L. The responsibility to protect as a duty of care in international law and practice. Rev Int Stud. 2008;34(3):445-458.

^{۳۸} Diplomatic Conference of Geneva. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed forces in the Field. Geneva, Switzerland: Diplomatic Conference of Geneva; 1949.

^{۳۹} Reuters. Tehran Hospital Evacuated After Explosions Nearby, WHO says. New York, USA: Tomson Reuters; 2026

بشردوستانه نامتناسبی به بار نمی آورد. از همین رو، رصد و کاهش اثرات تحریم ها بر حوزه سلامت، هم یک تعهد حقوقی است و هم یک ضرورت انکارناپذیر در سلامت عمومی.^{۴۰}

نقش ایران به عنوان میزبان میلیون ها پناهجوی افغان، گره این بحران را کورتر می کند.^{۴۱} پناهجویان و مهاجران فاقد مدرک، معمولاً برای دریافت خدمات درمانی با سدهای مالی و اداری روبه رو هستند؛ مسئله ای که آسیب پذیری آنان را در برابر بیماری های واگیردار، مرگ و میر مادران و تشدید بیماری های مزمن به شدت بالا می برد. اوج گیری درگیری ها، خطر شکل گیری موج های جدید آوارگی را در پی دارد و همزمان، بار مضاعفی بر دوش ظرفیت های محدود درمانی می گذارد.

در چنین فضایی، زنان و کودکان در معرض بیشترین خطرات قرار دارند. هر گونه وقفه در خدمات بهداشت باروری، مراقبت های روانی-اجتماعی و برنامه های واکسیناسیون، می تواند پیامدهای نسلی درازمدتی بر جای بگذارد. علاوه بر این، تنگنای اقتصادی و ناامنی، احتمال بروز خشونت های جنسیتی و اختلالات روان شناختی را افزایش می دهد. رسیدگی به این آسیب پذیری ها، نیازمند تدابیر هماهنگ و واکنش های همه جانبه بشردوستانه، حقوقی و بهداشتی است.

دامنه این بحران اکنون از مرزهای ایران فراتر رفته و به کشورهای خلیج [فارس] کشیده شده است؛ و در صورت تشدید مخاصمات، احتمالاً مناطق دورتری را نیز درگیر خواهد کرد. این واقعیت نشان می دهد که چگونه فرسایش هنجارهای حقوقی حاکم بر «توسل به زور»، مستقیماً بر سیستم های بهداشتی سایه می اندازد و مؤلفه های اجتماعی مؤثر بر سلامت جوامع را مخدوش می کند. امروز در سراسر منطقه، غیرنظامیان نه تنها با تهدید فوری خشونت مواجه اند، بلکه درگیر تبعات غیرمستقیم ناشی از تخریب زیرساخت ها، فلج شدن خدمات و فشار خردکننده بر سیستم های بهداشت عمومی واقع شده اند. وقتی ماشین جنگی بدون توجه حقوقی روشن به حرکت درمی آید و زیرساخت های غیرنظامی، چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم، در چندین کشور تخریب می شود، تاوان آن چیزی نیست جز مرگ و میرهای بی شمار، تباه شدن مسیر زندگی انسان ها و از دست رفتن سلامت نسل ها.

جامعه بهداشت جهانی باید با صدایی رسا و متحد به این وضعیت واکنش نشان دهد. تمامی طرف های درگیر باید بی قید و شرط به حقوق بین الملل بشردوستانه پایبند بوده و امنیت کادر درمان، مراکز پزشکی و زیرساخت های غیرنظامی

^{۴۰} Sajadi HS, Majdzadeh R. Health system to response to economic sanctions: global evidence and lesson learned from Iran. Glob Health. 2022;18(1):107.

^{۴۱} UNHCR Iran. Iran Becomes the Second Largest Refugee Hosting Country as Forced Displacement Hits New Record High Globally. Teheran, Iran: United Nations High Commissioner for Refugees; 2023

را تضمین کنند. بازیگران بین‌المللی باید سازوکارهای حمایتی کارآمدی را به اجرا بگذارند تا حتی در بحبوحه تنش‌های ژئوپلیتیک، دسترسی به دارو و اقلام حیاتی مختل نشود. همچنین، تقویت سازوکارهای مستقل نظارت و پاسخگویی امری حیاتی است تا موارد نقض حقوق مرتبط با سلامت غیرنظامیان ثبت و از تکرار آن‌ها جلوگیری شود. تلاقی شوم [تحمیل] جنگ، [چالش] قانونی بودن و سلامت عمومی در ایران، یک اتفاق استثنایی و ایزوله نیست؛ وضعیت‌های مشابهی پیش‌تر در اتیوپی، غزه، سودان و اوکراین نیز تجربه شده است. معماری حقوقی‌ای که وظیفه‌اش پاسداری از جان غیرنظامیان است، از امنیت بهداشت جهانی تفکیک‌ناپذیر است. هنگامی که پایه‌های این معماری – در اثر توسل غیرقانونی به زور، زیر پا گذاشتن اصل تناسب، یا اعمال محاصره‌های اقتصادی فرسایشی – سست شود، خروجی آن تنها بی‌ثباتی سیاسی در منطقه نخواهد بود؛ بلکه رنجی بشری در مقیاس جمعیتی عظیم را در پی دارد که به راحتی می‌شد از آن پیشگیری کرد.

